

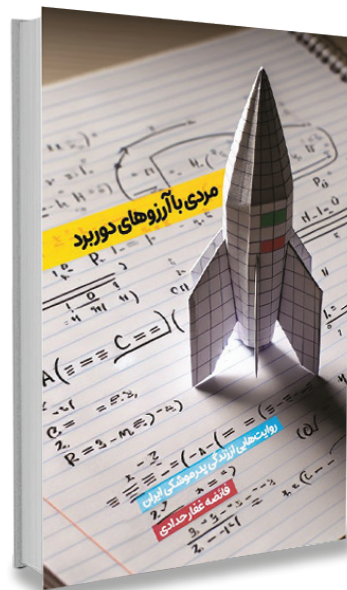
روایت‌هایی از پدر موشکی ایران

مردی با آرزوهای دوربرد

«مردی با آرزوهای دوربرد» روایت‌هایی است مستند از زندگی مردی که برد آرزوهایش از برد موشک‌هایش بلندتر بود. مردی که در انتها بر قله‌های تکنولوژی موشکی قدم می‌زد و دنیا را انگشت به دهان و دشمن را عصبانی کرده بود.

بعضی‌ها فکر می‌کردند حاج حسن آخر اعتماد به نفس است؛ ولی واقعیت این بود که حاج حسن قائل به درستی سنت‌های الهی بود. واقعاً باورش‌نا داشت. تا می‌گفتند فلان کشور فلان کار پیچیده و بهت‌انگیز را کرده، می‌گفت: «خدارو شکر. پس ما بهتر از اونا می‌تونیم همون کار رو بکنیم!»؛ گاهی که تعجب و انکار توی صورتشان را می‌دید ادامه می‌داد: «به دو دلیل این کار برا ما راحت‌تره. یکی اینکه خیالمون راحت‌تره این کار شدنیه. دوم اینکه ما شیعه هستیم و سهمیه نصرت الهی به ما تعلق می‌گیره نه به اونا که مسلمون نیستند!»

«مردی با آرزوهای دوربرد» روایتی مستند از زندگی شهید حسن طهرانی مقدم به قلم فائزه غفار حدادی است که برای رده سنی نوجوان نوشته شده است. غفار حدادی که پیش از این کتاب موفق «خط مقدم» را به رشته تحریر درآورده بود، این بار زندگی شهید طهرانی مقدم را به گونه‌ای تازه نوشته، تا دهه هشتادی‌ها و دهه نودی‌ها هم با این شهید عزیز آشنا شوند.



شهید کاظمی

انتشارات

فائزه غفار حدادی

نویسنده

گزیده متن کتاب

این درست که سال ۵۷ انقلاب بود و مردم درست روی پیچ تاریخ ایستاده بودند و اگر رهایش می‌کردند می‌رفت توی دل بیگانه و معلوم نبود دوباره کی بپیچد سمت استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی و این هم درست که انقلاب کردن کار و زحمت و بی‌خوابی و جوان انقلابی می‌خواهد.

ولی مگر یک جوان تک و تنهای ۱۹ ساله چقدر می‌خواست تأثیرگذار باشد؟ اصلاً یک نفر کم‌وز یا دجه تأثیری بر اراده مردم داشت؟ مگر انقلاب پیروز نمی‌شد اگر آن روزها حسن آق‌آن تصمیم انقلابی را برای زندگی‌اش نمی‌گرفت و همراه عموزاده‌هایش می‌رفت فرانسه و کانادا؟ اهل ریسک نبود که بود. ماجراجو نبود که بود. استعداد رشک برانگیز و نمره‌های بالا و هوش سرشار نداشت که داشت. موهای فر فری بلند و شنفکری نداشت که داشت. شلوار تنگ دمپا گشاد و بلوز چهارخانه چسبان نمی‌پوشید که می‌پوشید.